



## درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۹۷

مصادف با: ۲ رجب ۱۴۴۰

جلسه: ۷۰

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که نکته ششمی که در رابطه با شرط سیزدهم [اخلاص] مطرح است، این است که به نظر مرحوم سید (ره)، ریا در جزء مستحب نیز موجب بطلان عمل عبادی می شود، لکن به نظر مختار، همان گونه که در رابطه با جزء واجب عرض شد که اگر ریا در یک جزء، موجب حصول نقیصه در عمل نشود، عمل عبادی باطل نیست، در رابطه با جزء مستحب عرض می شود که به طریق اولی ریا در جزء مستحب، موجب بطلان عمل نمی شود. پس اگر شخص در قنوت نمازش ریا کند، نمازش باطل نیست مگر اینکه ریا در جزء مستحب باعث حصول اخلاص در عمل شود؛ مثلاً باعث شود که موالات به هم بخورد که در این صورت، عمل باطل خواهد بود.

همان طور که قبلاً ذکر شد، اگر شخص در جزء واجب ریا کند، آن جزء واجب باطل می شود لذا بطلان نماز از رهگذر ریا نیست، بلکه به خاطر نقیصه ای است که در نمازش به وجود آمده است و آن نقیصه از رهگذر جزئی است که او ریائاً انجام داده است. اما در رابطه با ریا در جزء مستحبی عرض می شود که ریا در جزء مستحب موجب بطلان نماز نمی شود چون ریا در جزء مستحب موجب نقیصه در نماز نمی شود زیرا در رابطه با جزء مستحب الزامی برای تدارک نیست و شخص می تواند آن جزء مستحب را اصلاً انجام ندهد؛ بر خلاف جزء واجب که اگر شخص آن را ترک کند، باید تدارک کند و در مورد تدارک آن الزام وجود دارد. بنابراین، انجام ریائی جزء مستحب، موجب بطلان عمل نمی شود، ولی از نظر حکم تکلیفی شخصی که جزء مستحبی را ریائاً انجام داده است، مستحق عقاب خواهد بود چون عمل حرام مرتکب شده است.

البته در بعضی از فروض انجام فعل مستحب به قصد ریا موجب بطلان کل عمل می شود و آن، در صورتی است که آن ریا محذور دیگری به دنبال داشته باشد، مثل اینکه با فساد جزء مستحب هیأت اتصالی عمل، یعنی موالات به هم بخورد و موالات نیز در آن عمل معتبر باشد؛ مثل وضو و نماز که رعایت موالات در آنها معتبر است.

**نکته هفتم،** اینکه به نظر می رسد که ریا در آفات متخلله بین عمل مبطل نیست و دلیل بر مبطل نبودن، این است که اعتبار اتصال اجزاء به شکلی که حتی اکوان و آفات متخلله نیز جزء پیوسته عمل باشند، محرز نیست تا گفته شود که به هیأت اتصالی لطمه وارد می شود. در نماز و وضو آفات متخلله ای بین اجزائشان وجود دارد، ولی این آفات متخلله جزء موانع و قواطع نماز و وضو نیستند لذا ریا در آفات متخلله مبطل عمل نیست. بله، اگر محرز شود که اتصال در اجزاء حتماً شرط است، در این صورت، ریا در آفات متخلله بین اجزاء عمل باعث به هم خوردن اتصال بین اجزاء می شود لذا موجب بطلان عمل می شود، لکن نظر مختار این است که انجام هر جزء در جای خودش مشکلی ندارد و بر فرض شک در اینکه آیا انجام ریائی آفات متخلله بین اجزاء، مانع محسوب

می شوند یا مانع محسوب نمی شوند و موجب بطلان عمل می شوند یا موجب بطلان نمی شوند، اصل عدم مانعیت جاری می شود. همچنین، اگر در بقاء صحت عمل شک شود، یعنی اگر در آفات متخلله ریا شود و شک شود که آیا صحت عمل مخدوش می شود یا مخدوش نمی شود، با تمسک به استصحاب بقاء صحت به صحت آن عمل حکم می شود.

**نکته هشتم،** این است که منظور از ریائی که موجب بطلان عبادت است، چه ریائی است؟ آیا منظور، ریائی است که شخص از ابتدای عمل، عمل خود را با ریا شروع کند یا ریا در اثناء عمل نیز مبطل عمل است؟ پس سؤال این است که آیا ریا در عبادت مطلقاً موجب بطلان عمل است؛ اعم از اینکه از ابتدای عمل، شخص عمل را ریائاً انجام بدهد یا اینکه او در اثناء عمل ریا کند.

پاسخ این است که ریا در اثناء عمل نیز موجب بطلان عمل است و اطلاق ادله نیز مطلق ریا را شامل می شود و به ریای از ابتدای عمل اختصاص ندارد. البته ریا در اثناء عمل در صورتی موجب بطلان عمل می شود که آن عمل ریائی قابل تدارک نباشد لذا اگر شخص عملی را ریائاً انجام بدهد و بعد پشیمان شود و آن عمل ریائی قابل تدارک باشد و او آن را تدارک کند، عملش صحیح است؛ مثل اینکه شخص هنگام وضو گرفتن، دست راست خود را ریائاً بشوید و سپس پشیمان شود و دوباره آن را بشوید که وضویش صحیح است. بنابراین، ریا در اثناء عمل در صورتی موجب بطلان عمل می شود که شخص به همان عمل ریائی اکتفا کند و آن را تدارک نکند، اما اگر آن عمل ریائی قابل تدارک باشد و شخص آن را تدارک کند، عملش صحیح است.

**نکته:** اگر کسی در اثناء عمل قصد ریا کند، اما قبل از اینکه مشغول فعلی از افعال یا جزئی از اجزاء شود، منصرف شود، عملش صحیح است و حکم این مسأله به حکم آفات متخلله برمی گردد لذا همان طور که آفات متخلله مشکلی ایجاد نمی کند، در این فرض نیز که شخص فقط قصد ریا کرده است، ولی عملی را ریائاً انجام نداده است، عملش صحیح است چون ملاک در حکم به صحت عمل این است که شخص هنگام انجام اجزاء و افعال، اجزاء و افعال را با قصد قربت انجام بدهد و در فرض مذکور، شخص اجزاء و افعال را با قصد قربت انجام داده است لذا عملش صحیح است.

**نکته نهم،** این است که به نظر مرحوم سید (ره)، ریا مبطل عمل است؛ هرچند که شخص توبه کند. نظر مختار این است که اگر کسی عملی را ریائاً انجام بدهد و آن را تدارک نکند، عملش باطل است و دلیل این حکم اطلاق ادله است که مقتضی بطلان عمل ریائی است، اما اگر کسی عملی را ریائاً انجام بدهد و بعد توبه کند و بعد از توبه، عمل را با قصد قربت انجام بدهد، عملش صحیح است، ولی اگر توبه کند و عمل را تدارک نکند، آن توبه فقط حکم تکلیفی که استحقاق عقوبت است را برمی دارد، یعنی حرمت تکلیفی را برمی دارد، ولی اثر وضعی آن عمل ریائی که بطلان عمل است را بر نمی دارد.

**نکته دهم،** این است که اگر ریا به یکی از اقسام پنج گانه - اقسام پنج گانه ریا عبارتند از اینکه یا عمل عبادی اساساً داعی و انگیزه‌ای غیر از ریا نداشته باشد و عمل فقط ریائاً انجام شود یا قصد قربت اصل است و ریا به آن ضمیمه شده است یا ریا اصل است و قصد قربت به آن ضمیمه شده است یا بعث و داعویت مستند به ریا و قصد قربت با همدیگر است، به گونه‌ای که هیچ کدام به تنهایی کافی نیست و هر کدام به تنهایی جزء العلة اند یا داعویت مستند به ریا و قصد قربت با همدیگر است، لکن هر کدام از ریا و قصد قربت به تنهایی نیز جنبه داعویت دارند و بر خلاف صورت چهارم که هر دو با هم علت تامه شمرده می شدند، در صورت پنجم، هر کدام به تنهایی نیز می تواند علت تامه باشد - داعی به سوی عبادت باشد، یعنی اگر انگیزه شخص از عبادت، ریا باشد، مبطل عبادت است، ولی اگر ریا به هیچ یک از اقسام پنج گانه اش داعی به سوی عبادت نباشد و داعویت و باعثیت در مورد عبادت نداشته

باشد، بلکه فقط به قلب شخص خطور کرده باشد و در حدّ حدیث نفس باشد، عمل شخص صحیح است و از ظاهر ادله صحت چنین عملی استفاده می‌شود و کلام امام باقر (ع) در روایت زراره: عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ أَدْخَلَ فِيهِ رِضَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ مُشْرِكًا...»<sup>۱</sup>، مربوط به موردی است که ریا جنبه داعویت و باعثیت برای عبادت داشته باشد لذا صرف خطور ریا از قلب یا حدیث نفس نمی‌تواند مبطل عمل باشد.

در روایت دیگری از زراره این‌گونه آمده است: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْمَلُ الشَّيْءَ مِنَ الْخَيْرِ فَيَرَاهُ إِنْسَانٌ فَيُسْرِئُهُ ذَلِكَ؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ»<sup>۲</sup>. از روایت مذکور، استفاده می‌شود که اگر ریا داعویت و باعثیت برای عمل نداشته باشد، موجب بطلان عمل نمی‌شود. بنابراین، صرف خطور ریا به قلب و حدیث نفس عمل را باطل نمی‌کند.

مرحوم صاحب جواهر (ره) فرموده است: «و الظاهر أنه لا عبرة بما تجرى على خاطر الإنسان من الخطرات التي هي غير مقصودة ولا عزم عليها كما يتفق كثيرا لأغلب الناس»<sup>۳</sup>؛ ظاهر این است که آنچه از خطورات قلبی که به خاطر انسان خطور می‌کند و قصد نشده است و عزمی بر آن نشده است، معتبر نیست و چنین خطوراتی برای اغلب مردم اتفاق می‌افتد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب مقدمة العبادات، باب ۱۱، ص ۶۷، ح ۱۱.

۲. همان، باب ۱۵، ص ۷۵، ح ۱.

۳. محمدحسن، نجفی [صاحب الجواهر]، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۰.